

بسمه تعالی

سابقه‌ی مدیریت: ۲۰ سال رشته و مقطع تحصیلی: آموزش ابتدایی سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش:

تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۱/۹/۲۸ محل مصاحبه: دبستان دخترانه شهید اسدی - منطقه ۱۷

پژوهشگر: چندسال است که مدیر هستید و چطور شد که مدیر شدید؟

بیست سال هست مدیرم.

قبلا معاون بودم. مدیر کارم رو میپسندید و اینگونه شد که مدیر شدم.

با توجه به تجربه ی این سالها خودتون چه درک و تعریفی از مدیریت دارید؟

همونطور که از اسمش پیداست باید اداره کنی مدرسه را. مجموعه و زیر مجموعه‌ای را که در اختیار است اداره کنی که شامل همه‌ی هماهنگی‌ها و روابط انسانی و هرچه در مجموعه‌ات اتفاق می‌افتد. هرکاری، هر طرحی، هر برنامه‌ای که هست در راس امور مدیر هست و مدیر باید بتونه قدرت و توانایی داشته باشه که هماهنگی بکنه و اون هدفی که در نظر هستش، مجموعه به اون هدف برسه.

عمده ی فعالیتهای شما؟

آموزشی تربیتی و پرورشی

توی همه ی حیطه‌های شناختی، حرکتی، عاطفی، روانی. در همه ی این حیطه‌ها ما سعی میکنیم که فعالیتمان را داشته باشیم، فقط یه جنبه رو یه بعد رو در نظر نگیریم.

یعنی همه رو آگاهانه برنامه ریزی میکنید که در مدام حیطه هست؟

بله. طبق برنامه ی تدبیری هم که می نویسیم سعی میکنیم در همه ی این حیطه‌ها ما فعالیت داشته باشیم. طرح تدبیر یه طرح گ برنامه هست که بصورت کلی به ما داده می شود و هر مدرسه طبق برنامه ریزی و امکانات خودش پیاده می کند.

از محیط یادگیری به معنای فیزیکی چه تشریفی دارید؟

محیط یادگیری از لحاظ فیزیکی همون مبلمان آموزشی میشه که حالا کل مجموعه مدرسه از لحاظ فیزیکی چه حالا کلاس‌ها هست حیاط مدرسه کتابخانه هر جزئی از ساختمان مدرسه میشه محیط آموزشی مدرسه محیط فیزیکی مدرسه و همه اینها رو باید در نظر بگیریم که مشکلی از لحاظ فیزیکی و ساختاری نداشته باشه که بچه درون آرامش داشته باشه و بتونه اون چند ساعتی که آموزش می بیننه مشکلی نداشته باشه.

یعنی شما؟ همه جای مدرسه رو محل یادگیری میدونید؟ که بچه لحظه به لحظه در حال یادگیریه.

بله.

در مورد دفتر خودتون هم همین نظر رو دارید؟

بله. کاربری‌های مختلف داره ولی کلش مجموعه مدرسه هست. کل مدرسه باید به هدفمون که آموزش بچه‌ها و یادگیری هست، باید طوری مبلمان بکنیم که به این هدف برسیم و بچه در ان احساس آرامش و امنیت بکنه. مثل خدنه ی دومش باشه از لحاظ فیزیکی.

تجربه ای که خودتون دارید در طراحی فضای یادگیری با تعریف خودتون می‌تونید از تجربیاتتون بگید؟

تجربه که هر سال ما مدرسه ی دولتی هستیم، با اینمه نوساز هست برای اینکه بتونیم سرپا نگهداریم، از هر لحاظ، نوره، گرما،

سرما، راحتی بچه ها، میز و نیمکت به هر صورتیکه هست ما باید امکانات و چیزهایی که در اختیارمون هست رو باید در نظر بگیریم و ببینیم چه امکانات، کمبودها، نواقصی داریم، این برنامه ی پروژه ی مهر اینطور است که در ایام تابستان ما همه ی اینها رو برآورد میکنیم. چون خانه ی دوم بچه ها هست در حد بضاعت و توان مدرسه و سعی میکنیم حداکثر استغاده رو از امکانات مدرسه به کار ببریم، سعی میکنیم محدودیت ها رو کم بکنیم و نواقص رو از بین ببریم، یک چیز آماده باصه برای اول مهر که بچه میاد مدرسه از لحاظ نورش باشه، سرماش باشه، گرمایش باشه، ایمنیش باشه، از لحاظ مبلمان باشه، از هر لحاظ ما سعی میکنیم که لینها رو نقاط ضعفمون رو از بین ببریم، تعمیراته، کمک میگیریم از ارگانهای دیگه، از صهرداری، از خیریه ها، از خیرین، از ظرفیتهای خود اولیا هست که برای اینکه بهتر و بیصتر بتونیم مدرسا رو تجهیز بکنیم. من تا میتونم تعامل دارم تا از این ظرفیتهای و امکاناتی که در اطراف مدرسه هست و افرادی که میتونن دخیل باشن، از کمکهای اون ها استفاده میکنم و با اینمه مدرسه نوستزه و فضاخ خوبه ولی بچه ها خیلی قدرت و توان مالی ندارن روی کمک های مردمی اولیا نمیشه خیلی حساب کرد، از کمک های جنبی، حتی از خود اولیا ما کمک میگیریم برای تجهیز و رفع نواقص مدرسه، یکی بناست، یکی نقاشه، از ظرفیتهای خودشون استفاده می کنیم.

چند سال ساخت هست؟

خیلی نوساز نیست، سعی شده استانداردها رعایت بشه، حالا چیزهایی که کم و کسره سلی می کنیم مدیر دو شیفت با تعامل همدیگه این کم و کسر رو جبران بکنیم. سعی میکنیم هر سال مدرسه رو شارژ کنیم، تجهیزات فرسوده میشن، سن ساختمان داره میره بالا امروز شوقاژخونه سوراخ شده بود هزینه کردیم. میز و نیمکتهای نیاز داره، رویه هاش کنده میشه، مرتب ما دستمون توی تجهیزات و امکانات مدرسه است. که سرپا باشه.

این تعاملاتی که فرمودید با سازمانهای مختلف دارید ساز و کاری در مدیریت براتون وجود داره؟

بله هست. در همان برنامه تدبیر
یه قسمتهاییش جذب کمک های مردمی تعامل با ارگان ها هست پرونده هم که آمده نوشته چه کار باید بکنی در این بنده کند باید از چه ظرفیت هایی استفاده کنیم سازوکارش هست
خود آموزش و پرورش هم هر از گاهی یک اقداماتی می کند مثلاً با شهرداری ایزوگام میکند و کارهای دیگه هر سال از ما میپرسند که چی کم دارید مشکلتون چی هست ولی خوب همکاری اونها خیلی کمتره مدرسه از لحاظ آموزشی در منطقه ۱۷ و از لحاظ مسکونی در منطقه ۱۱ هستیم از این نظر مشکل داریم و شهرداری ممکن است ست خیلی از مدارس منطقه ۱۷ را ساپورت کنه به ما نمیره و منطقه یازده هم شما با ما نیستی ولی سعی میکنیم از این ظرفیت ها استفاده کنیم

این ظرفیتهای مالیست یا غیرمالی هم می تواند باشد؟ مثل سالن اجتماعات

بله. همین امسال چندتا از ارگانها کمک کردند. مثلاً شهرداری ورودی دیوارهای مدرسه را به صورت رایگان برای ما رنگ آمیزی کرده. ما خواستیم آنها آمده اند. کفپوش سالن ورزشی را انجام داده اند. از طریق تربیت بندی اداره کل. گاهی مالی مستقیم نیست. خیرینی داریم که مرتب به بچه های بی بضاعت کمک می کنند.

فضای فعلی رو برای یادگیری مناسب می دانید؟

مناسب که نیست. تازه مدرسه ما که نوسازه نسبتاً مناسبه اما این هم با استانداردها فاصله داره. کلاسی داریم با ۴۲ تا دانش آموز. از لحاظ میز و نیمکت برای ما مناسب است ولی برای بچه های بعد از ظهر که راهنمایی هستند خب مناسب نیست و کوتاه است.

تابحال فکر کردید که میز و نیمکت ها را کامل بردارید؟

آخه چطور مثلاً؟ نمی شود. چون من دوشیفت هستم نمی شود. اگر تک سیفت بودم دستم بازتر بود. همان طور که برای پیش دبستانی این کار رو انجام میدم. اما بازهم یک اتاق را گذاشتیم و فرش انداختیم که برای انجام کاردستی بچه ها و از این استفاده ها بتوانیم استفاده کنیم.

میز و نیمکت سخته ولی تغییرات دیگه، مثلاً کتابخانه رو ببرید داخل کلاس‌ها.

کتابخونه کلاسی همه کلاسها مون دارن. همه هم نه. شاید بعضیهاشون به صورت قفسه‌ایه. ولی چون ارزشیابی توصیفی هست برای همه معلم‌ها در کلاس کمد ایمن قرار دادیم. و بعضی‌ها کتابها را همانجا می‌گذاشتن. بعضی‌ها هم مثل تابلوی جدول الفبا جدول درست کرده‌اند با خانه‌های بزرگتر و کتابها را آنجا می‌گذارند. همه کلاسها دارند. در حد توان سعی می‌کنیم استفاده کنیم.

این تغییرات را برچه مبنایی انجام می‌دهید؟ محتوای آموزشی، نظریات یادگیری، خواسته معلم یا دانش‌آموز یا اولیا؟

تلفیقیست. یک موقع‌هایی معلم می‌خواهد. خودش خلاقیتش بیشتر است و در هماهنگی با ما پیاده می‌کند. زمانی از لحاظ آموزشیست. یا مثلاً چیزی که الان جدیداً برای مدارس ابتدایی داریم بازویارسازی. همه آموزش‌ها را ببریم در قالب بازی. یادگیری با بازی انجام می‌شود. مطالب خیلی سخت هم با بازی. مثلاً املاهای مسابقه‌ای. همه تلفیق است. یک زمانی خود اداره می‌گوید باید اینطور باشد.

مدیر چه نقشی در این طراحی دارد؟ می‌تواند دخالت مستقیم داشته باشد؟

در آموزش و پرورش ما خیلی وقتها مدیر باید همه کار بکند. البته معاون‌ها هم هستند ولی در همه کار همراهی ما باید باشد. بعضی وقت‌ها مستقیم هم نباشد غیرمستقیم باید باشد. مثلاً هماهنگی همکار با ما برای انجام در کلاس.

در بخش طراحی چطور؟ طرح و ایده‌ای هست که خودتان ایده را داده باشید و اجرا کرده باشید؟

بله خیلی طرح‌ها. هم در رابطه با بازی و یادگیری ما یک اتاق بازی در نظر گرفته بودیم. طراح آن اتاق من به عنوان مدیر بودم. با آگاهی از طرح‌هایی که به ما آموزش داده بودند. مستقیماً مجری طرح ما بودیم که همکاران انتفاع ببرند. یا کتابخانه را می‌خواهیم چیدمان کنیم نظر من هست. بیشتر چیزها نظر مدیر است. بالاخره یک چیزی هست که کلی است و همکار پیاده کننده و اجراکننده ی طرح هست، اصل ریل گذاری با مدیر است.

چه ویژگیها و خصوصیات در خودتان می‌بینید. یا سایر همکاران مدیرتان ضرورت دارد که داشته باشند؟

اولاً در آموزش و پرورش تجربه مهم است. بعدش توانایی. میل و رغبت. خیلی طرح‌ها هست که بشود اجرا بشود، اما خیلی‌ها تمایل نشان نمی‌دهند. کار جهادی و وقت گذاشتن و ایثار می‌خواهد. باید ایثار کرد. خیلی وقت‌ها من مدیر خیلی بیشتر از اونی که وظیفه ام هست انجام میدم و خودم رو موظف میدونم که انجام بدم. حالا اگر همکاری ضعف داره از اینهاست.

این وقتی که می‌گذارید از نظر مالی هم دیده نمیشود دیگه.

بله دیده که همیشه ولی (فکر می‌کنم اینجا) مجموعه ی خودمونه. این ششصد بچه که امانت هستند در دست ما و خانواده‌ها گذاشتن ما پرورششون بدیم و تربیتشون کنیم، واقعا مسئولیم پیش خودمون، وجدانمون و خدای این بچه‌ها. که واقعا من خودم به شخصه همیشه سعی میکنم کاری که میکنم، نمیگم اداره بیاد ببینه، تشویق و ترفیع داشته باشه. من میگم طوری باشه که وجدانم راحت باشه و خودم پیش وجدانم بدونم که کمکاری نکردم. در حد توانم تلاشم رو کردم برای پیشبرد اهداف مدرسه و آموزش و پرورش.

در این نقش چه موانعی سر راحتون وجود داره.

موانع که خیلی هست، کمبود مالی اولینشه. از طرف آموزش و پرورش ریالی کمک مالی نمیشه. سرانه نداریم. و ما در منطقه محروم هستیم و اصلاً نمی‌توانیم روی کمک اولیا حساب کنیم. توقع هست، یعنی نمیگن اینجا مدرسه دولتیست. ولی توقع دارند و خودمان هم توقع داریم امکانات بیشتر باشد. اما ضعف مالی، گرونب و زیادتر شدن روز بروز قیمتها. من الان چندسال است که می‌خواهم یک دستگاه کپی بگیرم. هر سال می‌گویم امسال ولی می‌بینم خرج مهم‌تری پیدا می‌شود. کلاس و مدرسه را زیباسازی می‌کنم. پس کمبود مالی هست.

تصور کنید مشکل مالی وجود ندارد و شما کاملا دستتان باز است. چه موانع دیگری وجود دارد و چه فرصتهایی می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

استفاده از ظرفیت‌ها می‌توانیم داشته باشیم. اینجا از لحاظ ضعف فرهنگی هم هست. اینطور شده که این چندساله انگار مدرسه‌ها در سایه هستند. همراهی و همدلی اولیا را نداریم. توقع دارند ولی همراهی و همدلی نمی‌کنند. یا حتی ارگان‌های دیگر، زیرمجموعه‌های آموزش و پرورش می‌توانند خیلی کمک کنند اما متاسفانه نمی‌کنند. ما داریم این نسل را برای جامعه پرورش می‌دهیم، همه باید همراهی و همکاری کنند برای آموزش و فضای آموزشی اشکالاتش همه جور باید رفع شود. ببینید اینجا در این محله چندتا مسجد هست اما مدرسه فقط ما هستیم. شش دانش آموز، هر کلاس ۴۰، ۴۵ نفر. اینها اصلا خوب نیست. فضای حیاط مدرسه ما بزرگ است. مدارس هست که فضاهای خیلی کوچکتري دارند. اینها مسائلیست که تمام رشته‌های ما را پنبه می‌کند. من کلاس را به بهترین نحو هم بچینم و به این موانع برخورد کنم یا بهترین کلاس را داشته باشم و معلم نداشته باشم، کمبود نیرو داشته باشم، همه این‌ها زنجیروار به هم متصل هستند. کمبود نیرو هرساله ما را اذیت می‌کند، هرسال تعدادی نیرو بازنشسته می‌شوند و شرایط سخت‌تر می‌شود، نیروهای جدید هم که می‌آیند متاسفانه اصلا خوب نیستند. خلاصه اینکه کمبود زیاد است ولی کمک نیازاست. من مدیر هیچ وقت نمی‌توانم ایده‌آل‌هایم را به‌تنهایی پیاده کنم تا کمک نباشد. خصوصا مالی. فیزیک خوب قدرت و توان مالی می‌خواهد.

مشکل مالی نباشد دستتان باز است پس.

بله من به شخصه خیلی طرح‌ها و نظرات دارم ولی بخاطر محدودیت‌های مالی نمی‌توانم. همیشه به اولیا می‌گویم، اگر مبلغی که در غیرانتفاعی می‌دهید به من می‌دادید مدرسه گلستان می‌شد ولی متاسفانه همراهی اولیا و آموزش و پرورش و ارگانهای دیگر را نداریم. همه باید دست به دست هم بدهند تا بتوانیم محیطی عالی برای تربیت و آموزش بچه‌ها داشته باشیم. بچه رغبت داشته باشد، دوست داشته باشد که بیاید مدرسه. من اگر توان مالی بالاتری داشته باشم سعی می‌کنم خیلی بیش از توانم برای بچه‌ها کار انجام دهم.

فضاهای پیرامون مدرسه را چقدر می‌شناسید و آشنایی دارید؟

من چون خودم بومی اینجا هستم و اینجا بزرگ شدم آشنایی دارم به امکانش. و اولیایی هم که هستند در انجمن و کارگروه‌ها سعی میکنند ما را با محیط بیشتر آشنا کنند. مثلا اینجا یک درمانگاه هست که هماهنگ کرده‌ایم برای غربال‌گری و مسائل بچه‌ها. مسجد هم که اینجا هست واقعا نعمت است. بچه‌ها را برای نماز جماعت می‌بریم. یا برای بعضی برنامه‌ها از این ظرفیت‌ها استفاده می‌کنیم. آشنایی در حد توانم دارم.

می‌خواهم بدانم چقدر این فضاها را مناسب برای یادگیری می‌دانید؟

بله.

در همین کاربری فعلی یا فکر می‌کنید باید تغییری انجام شود؟

در کاربری فعلی استفاده می‌کنیم. گفتم مسجد می‌بریم. با درمانگاه در ارتباط هستیم.

خوب مثلا همین درمانگاه که بچه‌ها را می‌برید فضایش مناسب بچه‌ها هست؟

ما نمی‌بریم. آنها را می‌آوریم در مدرسه. جلسه برای اولیا می‌گذاریم. سلامتی، تغذیه، بهداشت. برای مشکلات خاص بچه‌ها برای اولیا و بچه‌ها استفاده می‌کنیم.

پارک روبروی مدرسه را چطور؟

متاسفانه پارک‌های اطراف ما از لحاظ ایمنی مشکل دارد. معتاد و موادفروش زیاد دارد. طوری نیست که بخوایم بگویم هربار که خواستیم می‌توانیم ببریم. نامه‌نگاری هم زیاد کردم ولی هنوز ایمن نیست. و اگر تکیه هم بخوام بچه‌ها رو از مدرسه بیرون ببرم باید

کارهای اردویی را انجام دهم. اما خب ایمن نیست. با اولیا می‌روند در پارک بازی می‌کنند اما من از طرف مدرسه باید خیلی فاکتورها را در نظر بگیرم. ولی در حد توانم استفاده می‌کنم.

فرهنگسرا و سرای محله چطور؟

سرای محله داریم و رئیس سرای محله تا پارسال رئیس انجمن من بود. الان هم که رئیس انجمن نیست باز هم برای آموزش‌های جانبی بچه‌ها مثل زبان و هنر و ... پیشنهاد می‌دهم و می‌گویم اگر بگذارید خوب است و بچه‌ها می‌روند و استفاده می‌کنند. مشاوره‌ایشان می‌آیند. آموزش ایمنی، آتش‌نشانی، زلزله، تاجاییکه می‌توانم از ظرفیت‌های محله استفاده می‌کنم.

پس همکاری متقابل دارید و کاملاً مشخص است.

بله واقعاً همکاری متقابل هست. هروقت بینم کاری هست که برای بچه‌ها و مدرسه مفید است استفاده می‌کنیم. اینها هم ظرفیت‌هایی برای آموزش است. همه‌چیز را نمی‌توانیم در مدرسه آموزش دهیم و وقت‌مان هم واقعاً محدود است. اصلاً بچه‌ها در ایام تابستان اوقات فراغت زیادی دارند که باید پر شود و مطمئن هم هستم که این فضا فضای ایمن و خوبی هست و بچه در آنجا خوب رشد پیدا می‌کند و تأیید شده هست. با کانون پرورش ارتباط خیلی خوبی داریم. برنامه‌ایشان را می‌بریم، قصه‌گوئی یا از این قبیل، از کتابخانه‌شان استفاده می‌کنیم، آنها می‌آیند برای بچه‌ها برنامه دارند، برای ایام تابستان هم. از هر ظرفیتی باشد استفاده می‌کنیم.

برای بیرون بردن بچه‌ها چقدر دست و پایتان برای بیرون بردن بچه‌ها بسته است؟

خیلی. قوانین دست و پاگیر است. سال به سال بدتر می‌شود. حساسیت اولیا هم بیشتر می‌شود. کوچکترین اتفاقی هم بیفتد می‌فترد گردن مدیر و گاهی آدم می‌گوید اصلاً این کار انجام نشود بهتر است. مسئولیتش خیلی سنگین است و خیلی سنگین تر هم شده. قبلاً راحت‌تر می‌بردیم، انگار اتفاقات هم بیشتر شده است، نمی‌دانم چرا، معمولاً هم که مدیر می‌رود زیر سوال، بخاطر همین چیزها خیلی کارها را می‌گویم محدودتر انجام بدهم. بچه‌ها هم تک‌فرزند شده‌اند یا دوتا، اولیا حساس‌ترند. این حساسیت اولیا خیلی ما را اذیت می‌کند. یعنی اولیا خیلی می‌خواهند در کار مدرسه و بچه‌ها دخالت کنند. دخالت خوب خوب است. مشارکت است. اما وقتی می‌گن اونجور که ما می‌خواهیم اداره کنید خیلی سخت می‌شود. در راهنمایی و دبیرستان بگوئیم نظارت یا هرچی ولی دخالت کمتر است و در ابتدائی خیلی بیشتر.

ما با بچه‌ها اصلاً مشکل نداریم. مشکل اولیا هستند. بچه‌ها از ما حرف‌شنوی دارند و خیلی خوب هستند اما با اولیا مشکل داریم. فضای مجازی هم که شد بدتر شد و بیشتر آمدند در کار و دخالت می‌کنند. خیلی اذیت می‌کنند. آدم خیلی برنامه‌ها را که می‌خواهد انجام بدهد بخاطر حرف و حدیث‌ها می‌گوید نکنم بهتر است و در آن صورت فقط باید جوابگو باشیم. هرچی هم بچه‌ها کوچکتر باشند بهتر است.

خب اگر شما فراغت بال داشته باشید و فکرتان از این مسائل آزاد بشود می‌توانید روی مسائل آموزشی تمرکز کنید.

وقت ما را خیلی چیزها می‌گیرد. ما مجبوریم سر خیلی چیزها وقت‌هایی بگذاریم که درگیرمان می‌کند. همین وقت گذاشتن روی مسائل اولیا، گاهی یک مساله‌ای پیش می‌آید نصف روز ما گرفته می‌شود در صورتیکه من در آن نصف روز خیلی کارها می‌توانم انجام بدهم. یا مثلاً کارهای تدارکاتی که داریم. مدیر نباید درگیر این مسائل باشد. موتورخانه سوراخ شد من و مدیر شیفت صبح بیش از یک ماهست درگیرش هستیم. باید جایی باشد که پشتیبانی کند و مدیر دخیل و درگیر نباشد. در صورتیکه صفر تا صد کار با خودمان است. رایزنی کنیم، تحقیق کنیم، چندبار پیش فاکتور بدهیم و کارشناسی شود، همه این کارها وقت من را می‌گیرد و نباید وقت من صرف این چیزها بشود. باید خیال ما را راحت کنند. مثلاً برای کپی، میز و نیمکت مشکل دارد، رابط معرفی کنند. مشخص و شسته رفته باشد. پولش را هم می‌دهیم اصلاً. خودم نیفتم دنبال این کار. از همه مهم‌تر اگر این وقت آزاد شود می‌توانیم به مسائل آموزشی فکر کنیم. باید همه ارگان‌ها دست به دست هم بدهیم، من فکر می‌کنم همه جزو یک مجموعه هستیم. آنها به ما کمک می‌کنند ما هم در مقابل برای آنها انجام می‌دهیم. در صرفه‌جویی یا هرچیز که هست. نباید اینطور باشد که وقتی که من صرف کارهای عمرانی می‌کنم انقدر زیاد باشد. این وقت باید صرف مسائل آموزشی بشود.

مدیر باید کارهای برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی‌اش را انجام بدهد که من هم از توان خودم و توان همکارانم بخوایم استفاده کنم. من مدام باید دنبال این و آن و در حال التماس کردن از این و آن باشم که بیایند و کار را انجام دهند یا کمک کنند. وقت و هزینه برای اینها صرف می‌شود. شده‌ایم مدیر تدارکاتی.

برای استفاده کردن از امکانات بیرون از مدرسه، مدیر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

تعامل خوب مدیر با این ارکانی که در اطراف مدرسه هستند. من هم آشنایی باهاشان دارم، هم روابط صمیمانه دارم، هم همکاری دارم. اگر من ازشان چیزی می‌خواهم آنها هم متقابلاً اگر چیزی بخواهند یا کاری داشته باشند ما باهاشان همکاری می‌کنیم. مثلاً بارها شده همین سرای محله گفته است برنامه‌ای داریم و می‌خواهیم برایتان اجرا کنیم، من هم گفته‌ام خب اگر مشکلی ندارد از لحاظ اداری بیایید. همکاری دوجانبه باید باشد.

جایی هم نیاز به مذاکره پیدا کرده‌اید که بگوئید قدرت مذاکره مهم است؟

بله 😊 بهر حال اخلاق هم باید داشته باشد. بالاخره اخلاق هم خیلی مهم است. اخلاق خوب، برخورد خوب، تعامل خوب، صبوری هم باید داشته باشی، بالاخره کمبودهایی در همه جا هست، ممکنه یک مشکلاتی از جانب اونها برای ما پیش بیاد، یا از طرف ما برای اونها پیش بیاد که باید با صبوری رفع و حل و فصل کنیم.

فکر می‌کنم شما خیلی هم مردم‌دار باشید.

شاید 😊 سعی می‌کنیم مشکلاتمان را با روابط انسانی خوب حل کنیم و باهاشون تعامل خوبی داشته باشیم.